



کامپیوتر به تته پته افتاد!

با کودکان چگونه سخن می‌گوییم؟

سخن گفتن با یکدیگر یکی از عادی‌ترین و در عین حال، تأثیرگذارترین کنش و رفتارهای انسانی است. گرچه این توانمندی جهان‌شمول است، اما چگونگی انجام آن، بسته به فرهنگ‌های گوناگون و اینکه ما در کجا زندگی می‌کنیم و چه ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در آنجا چیره است، متفاوت است. کودکان، در گفت‌وگوها، نه تنها به توانمندی‌های زبانی (مانند واژگان و دستور زبان) دست می‌یابند یا آگاهی‌هایی به دست می‌آورند، بلکه با «هنجارها»ی فرهنگی نیز آشنا می‌شوند. در نهادهای تربیتی، خانواده‌ها با پس‌زمینه‌های فرهنگی گونه‌گون و به پیرو آن با سنت‌های ارتباطی متفاوت، با هم برخورد می‌کنند. چگونه می‌توان در نهادهای تربیتی، به‌ویژه در مهد کودک‌ها و دبستان‌ها، این تفاوت‌ها را در نظر داشت تا همه‌ی کودکان بتوانند از گفت‌وگوها به‌درستی بهره‌مند شوند؟ نویسنده گفت‌وگوهایی را میان مادران و فرزندان به دقت مشاهده و بررسی و نتیجه‌ی پژوهش و تجربه‌های خود را برای ما گزارش کرد.

چرا زبان انسانی پدیده‌ای ویژه است؟

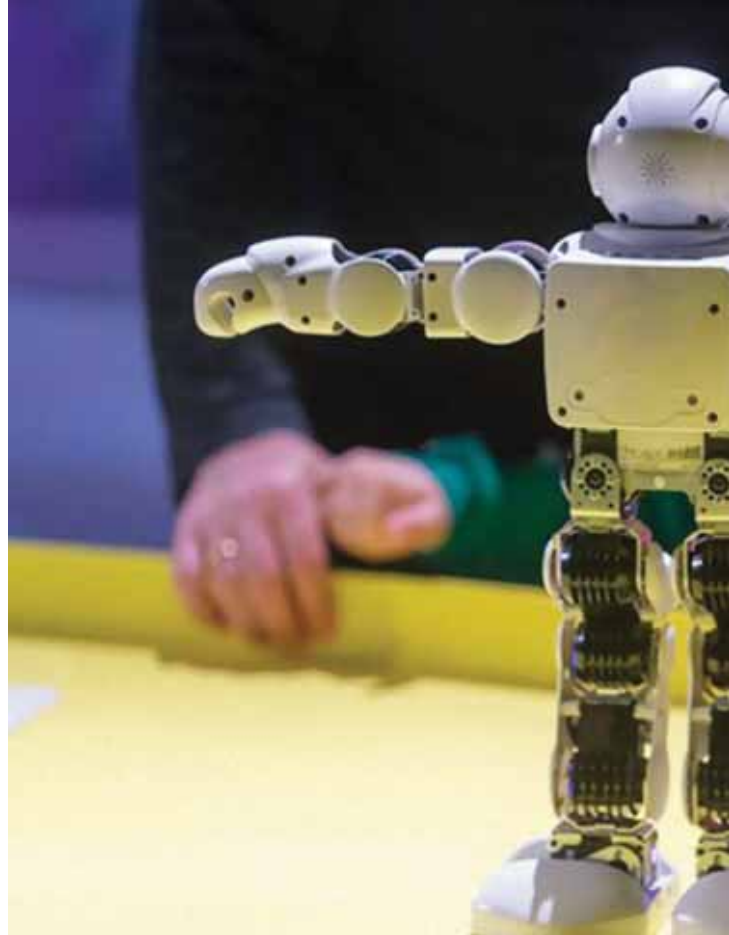
الن تیورینگ (۱۹۵۴-۱۹۱۲) ریاضیدان و داده‌پرداز بریتانیایی است که در پیشرفت فناوری رایانه‌ای سهم بزرگی داشته است. او از جمله درباره‌ی هوش مصنوعی پژوهش و آزمایش معروف به «آزمایش تیورینگ» را طراحی کرد. هدف از این آزمایش آن بود که بررسی شود آیا هوش مصنوعی رایانه‌ای با هوش انسانی برابری می‌کند یا نه؟

موضوع این آزمایش «شبیه‌سازی» است که در آن آزمایش می‌شود آیا یک رایانه می‌تواند در گفت‌وگو با انسان، به‌گونه‌ای گفت‌وگو را پیش‌برد که انسان روبه‌روی آن متوجه نشود با رایانه گفت‌وگو می‌کند. در سال ۲۰۱۴ برنامه‌ای رایانه‌ای طراحی شد که توانست شرایط آزمایش تیورینگ را جامه‌ی عمل ببوشاند: در گفت‌وگویی پنج‌دقیقه‌ای با یک «ربات سخنگو یا چت بات»

یک‌سوم از آزمایش‌شوندگان رایانه را با انسان اشتباه گرفتند. توجه داشته باشید که رایانه توانست فقط یک سوم از آزمایش‌شوندگان را، آن هم در گفت‌وگویی پنج‌دقیقه‌ای نوشتاری، دچار اشتباه کند. این یعنی هرچه گفت‌وگوها طولانی‌تر باشند، برای برنامه‌ی رایانه‌ای دشوارتر خواهد بود انسان‌ها را بفریبد. البته نرم‌افزارهای رایانه‌ای سخنگو نیز هر روز به پیشرفت‌های تازه‌ای دست می‌یابند، اما با این همه، رایانه‌ها هنوز نمی‌توانند انسان‌ها را در یک گفت‌وگوی طولانی به اشتباه بیندازند، چه برسد به اینکه بخواهند ویژگی‌های فرهنگی مانند شوخی یا کنایه را نیز در نظر بگیرند. این یعنی کنش ارتباطی و گفت‌وگوهای روزمره و طبیعی ما بر دانسته‌ها و توانمندی‌های بسیار بالایی استوار است. این کنش و رفتار می‌تواند برجسته‌ترین توانمندی انسان به‌شمار برود. جالب‌تر اینکه کودکان توانمندی‌های ضروری در این زمینه را در کمتر از چند سال به‌دست می‌آورند و در همان سال‌های نخست کودکی در موقعیتی هستند که می‌توانند در گفت‌وگوها شرکت کنند. این بخش از رشد زبانی و شرکت موفقیت‌آمیز در گفت‌وگوها را «رشد عملگرایی» می‌نامند. در ادامه به این بخش عملگرایی‌ی رشد زبانی خواهیم پرداخت. به‌ویژه اینکه کودکان چه قاعده‌های عملگرایی‌ی در بافتار فرهنگ‌های گونه‌گون می‌آموزند؟

پدران و مادران با فرزندان چگونه گفت‌وگو می‌کنند؟

در چارچوب فعالیت‌های پژوهشی‌ام، با گفت‌وگو میان مادران و فرزندان‌شان بسیار سر و کار دارم و آن‌ها را بررسی می‌کنم. در این باره، برایم به‌ویژه جالب است که بدانم گفت‌وگوها در بافتارهای فرهنگی گونه‌گون چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟



ارزش‌های فرهنگی مهمی را به کودکان می‌آموزند. به همین دلیل سودمندند. هیچ کدام از شیوه‌های زبانی به خودی خود بهتر یا بدتر نیستند. یکی از چالش‌های مهم در مهدکودک‌ها یا دبستان‌ها این است که فرهنگی زبانی که کودکان در خانه و خانواده به آن خو گرفته‌اند، با فرهنگ زبانی مربیان و آموزشگران هم‌خوانی ندارد. این چالش می‌تواند کودکان (و نیز پدران و مادران) را نسبت به خود نامطمئن و کار روزانه‌ی مربیان را در میان‌کنش موفقیت‌آمیز با کودکان دشوار سازد. از این رو، کمک‌کننده خواهد بود اگر مربیان و آموزگاران از شیوه‌های زبانی گوناگون و هنجارها و ارزش‌هایی که پشتوانه‌ی فرهنگی آن‌ها هستند، آگاه باشند. از این گذشته، بسیار مهم است که مربیان شیوه‌های زبانی خود را نیز ارزیابی کنند. برای مثال، در نهادهای آموزشی یا مهدکودک‌های آلمان، کنش و رفتار آموزشی با کودکان بیشتر بر رویکرد خودفرمانی استوار است.^۱

نتیجه‌ی پژوهش‌ها در واحدهای آموزشی آمریکا و اروپا درباره‌ی هدف‌های رشد از نظر کارشناسان و مربیان تربیتی و پدران و مادران- با و بدون پس‌زمینه‌ی مهاجرت- تأکیدهای متفاوتی بر خودفرمانی و همبستگی را نشان می‌دهد^۲؛ با این تفاوت که مربیان بر خودفرمانی تأکید بیشتری دارند. این نگرش در کنار پس‌زمینه‌ی فرهنگی شخصی مربیان و آموزگاران، به احتمال زیاد با تأکید بر خودفرمانی به‌عنوان اصل هدایتگر در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نیز ارتباط دارد. پس چگونه می‌توان در فعالیت‌های روزمره‌ی آموزشی، شیوه‌های زبانی را چنان به کار برد که همه‌ی کودکان از آموزش زبانی بهره‌برند؟

پرسش‌های باز، تکرار (احیاناً اصلاح‌گرانه) و تأکید مثبت کودک در گفت‌وگوها و نیز کاربرد واژگان گسترده، با رشد زبانی کودک، فراتر از بافتارهای فرهنگی، پیوند مثبت دارند. مهم‌ترین و نخستین گام برای تغییر در شیوه‌ی زبانی خود، بی‌گمان ارزیابی شیوه‌ی زبانی در فعالیت‌های روزمره و کاری است. روندی که آن‌گونه که خود من تجربه کرده‌ام، گاه خودشناسی پرهیجانی را با خود در پی خواهد داشت.

منبع

Betrifft Kinder, 09-10/2018

لیزا شرودر استاد رشته‌ی تعلیم‌وتربیت در دوره‌ی کودکی در دانشکده‌ی ماگدبورگ- استندال (در آلمان) نویسنده‌ی این مقاله است.

دکتر یقیباذ یزدانی (مترجم) از سال ۱۳۶۴ در شهر برمن آلمان به سر می‌برد و در مدرسه‌ها و آموزشگاه‌های زبان به آموزش زبان آلمانی می‌پردازد.

پی‌نوشت‌ها

1. Autonomie
2. Gernhardt, 2012
3. Überzeugung- Verhaltens- Dilemma

من این امکان را داشتم که با همراهی همکارانم، گفت‌وگو میان مادران و فرزندان‌شان از کشورهایی چون کامرون، هندوستان، یونان، استونی، سوئد و آلمان را بررسی کنم. در این بررسی آشکار شد، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی در شیوه‌ی زبانی مادران (و نیز پدران) بازتاب می‌یابند. در بیشتر بافتارهای فرهنگ‌های غربی، فرد و فردیت و یکتایی او در مرکز توجه قرار دارند. این ویژگی در هدف‌هایی که پدران و مادران برای رشد کودکان خود در نظر دارند نیز دیده می‌شود. برای آن‌ها مهم است که فرزندان‌شان در سال‌های نخست رشدشان به استقلال دست یابند، استعدادها و علاقه‌مندی‌هایشان شکوفا شوند و نیز بیاموزند که خواسته و نظرشان را ابراز کنند و آن را به دیگران بقبولانند. بدین‌گونه، «خودفرمانی»^۱ اندیشه‌ی اصلی و هدایتگر کنش و رفتار است.

در برابر آن، در بسیاری از کشورهای غیرغربی و بیشتر در بافتارهای روستایی، نه فرد و فردیت، بلکه جمع و جامعه در مرکز توجه قرار دارند. پدران و مادران از این بافتارهای فرهنگی می‌خواهند که فرزندان‌شان بیاموزند به پدر و مادر و بزرگ‌تر از خود احترام بگذارند و از آن‌ها پیروی کنند. نیز با جامعه هماهنگ باشند. در اینجا اندیشه‌ی «همبستگی»^۲ اندیشه‌ی اصلی و هدایتگر در کنش و رفتار است. این سمت‌گیری‌های فرهنگی در گفت‌وگو میان پدران و مادران و فرزندان‌شان بازتاب می‌یابند؛ هم از این نظر که چگونه با فرزندان‌شان گفت‌وگو می‌کنند و هم از این لحاظ که درباره‌ی چه با آن‌ها سخن می‌گویند.

گفت‌وگو در فعالیت‌های روزمره‌ی دبستان‌ها

شیوه‌های گونه‌گون زبانی در بافتارهای فرهنگی خود، هنجارها و